



مسئله‌ای به سوی بهشت

چگونه قلبت را سریع‌ترین قلب بگردانی؟

نویسنده: خالد ابوشادی

مترجم: سمیه اسکندری فر

ویراستار: عبدالجلیل خلیفه قادری

سرشناسه	ابوشادی، خالد احمد
عنوان فرار دادی	سباق نحو الجنان: کیف تجعل قلبک اسرع القلوب فارسی
عنوان و نام پدیدآور	مسابقه‌ای به سوی بهشت: چگونه قلبت را سریع‌ترین قلب بگردانی؟ نویسنده خالد ابوشادی؛ مترجم سمیه اسکندری‌فر؛ ویراستار عبدالجلیل خلیفه‌قادر.
مشخصات نشر	تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص. ۲۱×۵/۱۴ د/سم.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۷-۱۳۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر تحت عناوین متفاوت توسط مترجمان و ناشران مختلف ترجمه و منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس.
عنوان دیگر	کاروان بهشتیان.
عنوان دیگر	چگونه قلبت را سریع‌ترین قلب بگردانی؟
موضوع	بهشت (اسلام)
موضوع	Paradise -- Islam
موضوع	معاد
موضوع	Resurrection (Islam)
شناسه رده	اسکندری‌فر، سمیه، ۱۳۶۰ - مترجم
شناسه افزوده	خلیفه‌قادر، عبدالجلیل، ۱۳۴۷ - ویراستار
رده‌بندی دیگر	الف/۶۵: ۲۲۲۲۲۲ ب/۲۰۴۱: ۱۳۹۵
رده‌بندی نویسی	۲۹۷
شماره کتابشناسی	۴۳۴۲۰۷۱



انتشارات تبیع الاسلام - جام

مسابقه‌ای به سوی بهشت

مؤلف: خالد ابوشادی

مترجم: سمیه اسکندری‌فر

ناشر: شیخ الاسلام احمد جام

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۷-۱۳۳-۱

حق چاپ و نشر محفوظ است

تلفن: ۵۲۵۲۴۴۷۱ - ۵۲۵۲۵۲۳۸ - ۵۱

فهرست موضوعات

۳	فهرست موضوعات
۴	نقد
۵	مقدمه
۹	فصل اول: مفاهیم مسابقه
۱۰	اول: معنای مسابقه
۱۲	دوم: حکم مسابقه
۱۷	سوم: جوایز مسابقه
۲۱	فصل دوم: قبل از حرکت
۲۲	اول: ساعت را تنظیم کن
۲۸	دوم: حرکت، حرکت قلب است
۳۳	سوم: دروازه‌های خیر باز است
۳۸	چهارم: شعبانی مباش
۴۱	فصل سوم: هزینه‌ی مشارکت
۴۲	اول: قلبی که اسارت را نمی‌شناسد
۴۸	دوم: قلبی که با طعمه شکار نمی‌شود
۸۴	سوم: قلبی که همواره انتقام‌جو است
۸۹	چهارم: قلبی که خمیازه نمی‌کشد
۹۷	فصل چهارم: چگونه قلبت را سریع‌ترین قلب‌ها بگردانی؟
۹۸	اول: به باغ‌ها و آبادی‌های ایمان باز گردی
۱۰۴	ایزار و وسایل ذکر مرگ
۱۶۹	دوم: گردنه‌های راه را بدانی
۲۱۵	سوم: سفارشات دهگانه را اجرا کنی
۲۳۶	چهارم: بدانی کدام عمل بهتر و بافضیلت‌تر است؟

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» [آل عمران: ۱۰۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای واقعی خدا را رعایت کنید و زینهار، جز به اسلام نرسید.»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَالَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» [النساء: ۱].

«ای مردم، تقوای پروردگارتان را پیشه کنید که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد و تقوای خدایی را پیشه کنید که به [نم] او ره‌ایگر درخواست می‌کنید و زینهار از خویشاوندان مژید، که خدا همواره بر شما نگهبان است.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۚ سَخَّرَ لَكُمُ أَعْمَالَكُمْ وَیَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» [الأحزاب: ۷۰، ۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی اشاره کنید. (۷۰) تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشاید، و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است. (۷۱)»

اما بعد...

خداوند متعال به من توفیق داد تا کتاب «مسابقه‌ای به سوی بهشت» را که نمره‌ی مطالعات سخنان سلف و کارهای صالحان است به رشته تحریر درآورم و آن را با اشعار لطیف و گوهرهایی از سخنان حکمت آمیز در چارچوبی نو

در آمیختم که همت را برافروخته، شور و حماسه را روشن ساخته، سیره‌ی سلف را زنده گردانده و روحیه‌ی رقابت را میان جوانان امت شعله‌ور می‌سازد، آنان که در این زندگی‌نامه‌ها و سیره‌ها، مشعل‌های نور و هدایت را می‌بینند که در تاریکی شب می‌درخشند و آنان در پرتو و تشعشعاتش حرکت کرده و از آن تقلید می‌کنند و صدای ساربان قافله بلند است که می‌گوید:

«وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» [المطففين: ۲۶].

در در این [نعمت‌ها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.

آنان آرام نمی‌گیرند تا این که فرشتگان برایشان این چنین مژده می‌آورند:

«وَنَزِمُ عَلَيْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» [الزمر: ۷۳].

سیرت بر شما نازل می‌شود، در آن درآید [و] جاودانه بمانید.

امام ابوحنیفه - رحمه الله - گوید: «داستان‌های علما و محاسن آنان برای من بهتر از بسیاری از ابواب فقه است، زیرا آداب و رسوم یک قوم است.»

شاهد و گواه سخنش، این بر ما نشان الهی است:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» [یوسف: ۱۱۱].

به راستی در سرگذشت آنان، برای خاندان عبری است.

این خلاصه‌ی تجربه‌ی ابن جوزی است که بر آن بسیار اصرار ورزیده و

گفته است: «من معتقدم پرداختن به فقه و شنیدن احادیث به تنهایی برای اصلاح

قلب کافی نیست مگر زمانی که با اشعار لطیف و بررسی سیره‌ی سلف صالح

درآمیزد و گروهی از سلف، نزد بندگان صالح می‌رسند تا ریاضت‌ها و روش

آنان را مورد مطالعه قرار دهند، نه این که از علم آنان اقتباس نماید، زیرا سیرت

و طریقت، محصول علم است، پس این را بفهم و طلب فقه و حدیث را با

مطالعه‌ی سیره‌ی سلف و زاهدان در دنیا دنبال کند تا سبب رقت قلبت گردد.»^۱

من این نمونه‌های درخشان را تنها به خاطر لرزش لب‌ها و حسرت بر مجد

و عظمتی که گذشته و از بین رفته؛ ارایه نکردم، بلکه به خاطر اقتدا و هدایت

شدن بیان کردم:

۱ - صید الخاطر، ابن جوزی، دار الفکر، ص ۱۲۶-۱۲۷.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» [المتحنة: ۶].
«قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی

که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد.»

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدُهُ» [الأنعام: ۹۰].

«اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن.»

بندهاوند ما را بر اساس حُب رقابت، تلاش و حرکت آفریده و فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْرِعُوا فِي سُلُوكِكُمْ» [الليل: ۴].

«همانا تلاش شما را بکنده است.»

رسول الله ﷺ فرموده است:

«كُلُّ النَّاسِ يَفْعَلُو حَيَاةَ حَسَنَةٍ فَمُعْتَقَهَا أَوْ مُوَبِّقَهَا»^۱

«همه‌ی مردم در ابتدای روز از خانه خارج می‌شوند، پس شخصی نفسش

را - به خدا می‌فروشد - و آن را آزاد می‌کند یا آن را به هلاکت می‌رساند.»

اما «مسابقه‌ای به سوی بهشت» نوع جدیدی قدیم سبقت و مسابقه است.

جدید است: در زمانی که مردم در انداختن رهم و دینار با هم مسابقه

می‌دهند و بر کسب دنیای زودگذر و لذت فانی تلاش می‌کنند، بنابراین فهم

زبان ما یا درک مفاهیم این مسابقه برای این عده بسیار سخت و سنگین است،

زیرا کسی که در آتش آهنگری می‌دمد و با بوی بد زندگی می‌کند از بوی

مشک زکام می‌گیرد و کسی که در چین متولد شود، زبان عربی را نمی‌فهمد،

پس ما کجا و آنان کجا.

قدیمی است: زیرا امری است که خواب شب را از دیدگان صالحان ربود

و فکرشان را به خود مشغول ساخت، پس شب را به قیام پرداختند و اشکشان در

محبت الله و طمع به آن چه نزد اوست و ترس از مجازاتش جاری گشت.

^۱ - صحیح الجامع الصغیر، به روایت مسلم، ترمذی و ابن ماجه از ابومالک اشعری، شماره‌ی

پیش از این که به سمت خط شروع برویم، حال و روزم را با بیتی که پیش از این امام واعظ ابوالمظفر محمد بن علی بن نصر دوری؛ توصیف کرده بود، وصف می‌کنم:

يَتُوبُ عَلَى يَدَيِّ قَوْمٍ غَصَاةٌ * أَخَافَتْهُمْ مِنَ الْبَارِي ذُنُوبُ
وَقَلْبِي مُظْلِمٌ مِنْ طَوْلٍ مَا قَدْ * جَنَّا فَأَنَا عَلَى يَدٍ مَنْ أَتُوبُ؟
كَأَنِّي شَمْعَةٌ مِنْ بَيْنِ قُلُومٍ * تُضَيُّ لَهُمْ وَيُحْرِقُهَا اللَّهُيبُ
كَأَنِّي مَخِيطٌ أَكْسُو أَنَا سَاءً * وَجَسَمِي مِنْ مَلَابِسِهِ سَلِيبٌ^۱

«عده‌ای گنه کار به دست من توبه می‌کنند، کسانی که گناهانشان آنان را از ذات بری حالی ته‌نیده است،

در حالی که قلب من از شدت گناهانی که مرتکب شده‌ام، تاریک شده است، پس من به دست چه کسی توبه کنم؟

گویی شمعی در میان قلوب هستم که راه را برایشان روشن می‌کند، ولی زبانه‌های آتش آن را می‌سوزاند،

گویی خیاطی هستم که لباس تن مردم می‌کنم، در حالی که خودم هیچ لباسی به تن ندارم.»

پس برادرم: مرا از دعای خیرت فراقش مکن، شاید خداوند ما را در جایگاه رحمتش، در فردوس اعلایش با هم حشر کند.

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الحديد: ۱۲).

«آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیش از آنان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند:] «امروز شما را مژگان به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آن‌ها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ.»

نیازمند عفو پروردگار

د. خالد ابوشادی